

شخصیت علمی - ادبی امیر علیشیر نوایی و اثربخشی مکتب‌ساز او

امیر نعمتی لیمائی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

چکیده

امیرعلیشیر نوایی، سیاستمدار و فرهنگمرد پرآوازه روزگار تیموری، واجد جایگاهی والا در تاریخ فرهنگ ایران است. آنچه هویدا می‌نماید، جدا از توانمندی و نفوذ سیاسی فوق‌العاده، شخصیت علمی - ادبی وی از جمله دلایل دستیابی او به چنین جایگاهی است. شخصیت علمی - ادبی امیرعلیشیر نوایی موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. از این رهگذر، با یاری جستن از روش تحقیق تاریخی، نقش او در ادب ترکی، تأثیر وی بر گسترش قلمروی فرهنگ ایرانی، اثربخشی مکتب‌ساز او و همچنین تدوین فرهنگ لغت‌های متعدد با تکیه بر آثار وی مورد بررسی واقع گردید. نتایج حاصله نشان داد وی از سویی در ادب ترکی پیشرو و پیشتاز بوده و از دیگر سوی نقش به‌سزایی در معرفی و نشر فرهنگ ایرانی در میان اقوام ترک زبان ایفا نموده است. گام‌هایی که او در سال‌های عمر خویش در این رهگذر برنهاد، به نزدیکی فرهنگی بیش از پیش ایرانیان و ترکان انجامید.

کلید واژه‌ها: امیرعلیشیر نوایی، فرهنگ ایرانی، ادب ترکی، اثربخشی مکتب‌ساز نوایی، فرهنگ‌های لغات (سده‌های مختلف)

مقدمه

امیرعلیشیر نوایی سیاستمدار و فرهنگمرد روزگار تیموری است. حضور توانمندان و تکاپوهای افزون وی در عرصه‌های گوناگونی چون سیاست، پشتیبانی از اهل فرهنگ، ساخت و ساز بناهای عام‌المنفعه، نگارش و سرایش، توسعه ادب ترکی و ... شهرت فراوانی را برای او به ارمغان آورد و جایگاهی قابل تامل در تاریخ فرهنگ ایران به او بخشید. آنچه هویدا می‌نماید، عملکرد چشم‌نواز امیرعلیشیر در حوزه‌های پیش‌گفته و همچنین بخش بزرگی از آوازه و اشتهار او با شخصیت علمی و ادبی وی مرتبط بوده است. زیرا در منابع تاریخی و ادبی به یادگار مانده از آن روزگار، به رغم آن که امیرعلیشیر در دستگاه قدرت سلطان حسین بایقرا عهده‌دار مناصب گوناگونی چون مهرداری، امارت دیوان اعلی، حکومت هرات، حکومت استرآباد و ... بود و حتی در برهه‌هایی از زمان به واسطه ندیمی و مشاورت سلطان پرتوان‌ترین سیاست‌ورز روزگار به شمار می‌آمد، بیشتر به عنوان یک امیر دانشور و ادیب که دوستدار دانش و هنر بوده، یاد شده است.^۱ درحقیقت، اگر اینگونه نبود پژوهشگرانی چون ابوالقاسم رادفر، شیرین بیانی، سیدمحمد عبدالله، عبدالرحیم قاضی و ... را بدین مهم وا نمی‌داشت که خارج از درستی یا نادرستی نظرشان، در مقالات خویش به قیاس او با سیاستمداران و فرهنگمردان پرآوازه‌ای همچون خواجه نظام‌الملک طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی دست یازند.^۲

شخصیت علمی- ادبی امیرعلیشیر نوایی موضوعی است که این مقاله بنا بر بررسی آن دارد. موضوعی که به رغم پاره‌ای کوشش‌های ارزشمند پژوهندگان مختلف ایرانی و خارجی برای معرفی درست امیرعلیشیر نوایی و از جمله آنان افراد فوق‌الذکر و همچنین ماریا اوا سابتلنی در مقالات مختلف، مهدی فرهانی منفرد در کتاب پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، صغری بانو شگفته در کتاب شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیر نوایی و ... چندان که باید و شاید بدان پرداخته نشده و مورد واکاوی قرار نگرفته است. از این روی، هدف در این نوشتار آن است که درک گردد شخصیت علمی- ادبی امیرعلیشیر نوایی چگونه بوده و چه ویژگی‌هایی را دارا بوده است؟ نگارنده بر آن گمان است که با یاری جستن از روش تحقیق تاریخی و استفاده توأمان از سه ویژگی توصیف، انتقاد و مقایسه می‌توان پرسش یادشده را از چهار جهت مختلف بررسی نمود و پاسخ داد: نخست، نقش امیرعلیشیر در ادب ترکی، دوم تاثیر وی بر گسترش قلمروی فرهنگ ایرانی، سوم اثربخشی مکتب‌ساز او و سرآخر تدوین فرهنگ لغت‌های متعدد با تکیه بر آثار وی.

امیرعلیشیر نوایی، بنیانگذار و پدر ادب ترکی:

امیرعلیشیر، نویسنده و شاعر پرکار اواخر روزگار تیموری از دو زبان ترکی جغتایی و فارسی برای خلق آثار خویش سود می‌جست. با وجود این، اگرچه او عالم و ادیبی دو زبانه بوده، اما آنچه آشکار می‌نماید آن است که بیشینه آثار خویش را با بهره گرفتن از زبان ترکی مدون داشته است. نگاهی هرچند گذرا به سیاهه آثار او بر درستی این مدعا گواهی می‌دهد و از آن جمله می‌توان به آثاری ترکی همچون دیوان خزائن المعانی، خمسه یا پنجگانه، محاکمه‌اللغتين، زبده‌التواریخ، تاریخ ملوک عجم، نسائم‌المحبه، میزان الاوزان، مجالس‌النفائس منشات، وقفیه، تاریخ ملوک عجم، تاریخ انبیا و حکما، و ... اشاره داشت. گفتنی است، پیش از امیرعلیشیر نوایی تنی چند از ترک‌تباران، ترکی‌سرایی را آغاز کرده بودند. البته امیرعلیشیر در کتاب محاکمه‌اللغتين، تنها ترکی‌سرایی به نام لطفی را به عنوان پیشگام این مهم نام برده^۳، اما آنچه روشن است، ادیبانی چون میرحیدر خوارزمی، گدایی، نقیسی، میرسعید کابلی، میر محمدعلی کابلی، امیری، سکاکی و ... نیز در این راه همگام و همراه لطفی بوده‌اند.^۴ با وجود این، آنکه توانست قدرتمندانه در این مسیر قدم بردارد و یارای آن یافت با سرایش و نگارش به زبان ترکی جغتایی جایگاه ادبی این زبان را ترقی دهد و به جرگه زبان‌های علمی و ادبی وارد سازد، کسی جز امیرعلیشیر نوایی نبوده است. درحقیقت، ادعایی منصفانه خواهد بود، اگر از او به عنوان نخستین ادیب بزرگی که به ترکی نوشته و سروده است، نام برده شود.^۵

یکی از جنبه‌های اهمیت کار امیرعلیشیر که به نظر برخی ترک‌شناسان همراه با محمود کاشغری، مولف دیوان لغت ترک، شیخ عاشق پادشاه، نویسنده غریب‌نامه و قدری برغموی، صاحب صرف ترکی مسیره‌العلوم، در زمره چهار مدافع بزرگ زبان ترکی قرار دارد، آن است که وی موفق شد ترکی جغتایی را چنان توسعه بخشد که شایسته یک زبان ادبی باشد. این موفقیت زمانی جلوه بیشتری می‌یابد که درک گردد نظم و نثر فارسی با توجه به پیشینه دیرینش و در گذر روزگار تکامل عظیمی را شاهد بوده و با نام ادیبان بزرگ و سخن‌سرایان والامقام مزین و بدون هیچگونه رقیبی بوده است. به عبارت دیگر، ترکی جغتایی هویت خود به عنوان یک زبان ادبی را بلاشک مدیون و مرهون امیرعلیشیر نوایی بوده است.^۶

پژوهشگر اهل کشور ترکیه، زکی ولیدی طوغان، درباره روند تکامل ادب ترکی و نقش

امیرعلیشیر در پیشرفت آن چنین اظهار داشته است:

آن فعالیت ادبی که بیش از ظهور مغولان، به ویژه در دوره قراختائیان در میان مسلمانان ترک ترکستان شرقی، مناطق یدی سو (هفت آب) و تا اندازه‌ای در دلتای جنوبی و میانی سحون جریان یافت و در جنوب تا دلتاهای میانی و زیرین سیحون گسترش یافت، در دوزه مغولان در خوارزم شکل ترکی به خود گرفت و برای پیشرفت آن در ماوراءالنهر (فراورود) و خراسان شمالی تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شد. ... سرانجام در دوره برخی تیموریان مانند ابوالقاسم بابر... و نیز حسین بایقرا این زبان در خراسان، به ویژه در هرات گسترش یافت و علیشیر نوایی بزرگترین عامل گسترش این نهضت ادبی در هرات به شمار می‌رفت.^۷

اقدامات فرهنگی امیرعلیشیر درباره زبان ترکی، جدا از توانمندی فوق‌العاده زبان فارسی در آن عهد، از آن جهت اهمیت فراوان تری می‌یابد که به زعم تلاش‌های برخی شاعران و دانشمندان ترک-تبار، یکی از وجوه معنایی واژه ترک در روزگار مورد بحث بی‌توجهی به دانش و دوری‌گزینی از علم بوده است. شایان توجه است، امیرعلیشیر خود بدین مهم معترف بوده است و اگر چنین نبود در تذکره مجالس‌النفائس خود در شرح حال دانشوری ترک‌تبار چون حاجی ابوالحسن، هیچگاه نمی‌نوشت «ترک است، اما به قدر خود طالب علمی کرده».^۸ دعوی دولت‌شاه سمرقندی، مولف تذکره‌الشعرا، درباره پدر امیرعلیشیر مبنی بر آنکه «با وجود ترکیت، ترک فضایل نمی‌نمود»^۹ نیز ناظر به همین منظور است.

خواندمیر در مکارم‌الاخلاق روایتی را ذکر کرده که اگر مقرون به صحت پنداشته شود، آشکار می‌سازد حتی مولانا لطفی که از پیشقراولان ادب ترکی بوده و خود امیرعلیشیر هم او را دوست می‌داشته، نیز به برتری مقام امیرعلیشیر اقرار کرده است:

مولانا لطفی که به لطف سخن یگانه آفاق بود و پیش از وی به زبان ترکی کس شعر نگفته، در مبادی سن رشد و تمیز آن حضرت روزی به ملازمتش رسید و التماس نمود که از نتایج اباکار افکار خود به خواندن غزلی مرا بهره‌ور سازید. آن حضرت غزلی خواند... جناب مولوی از استماع این غزل غرا در بحر حیرت افتاده بر زبان راند که

والله اگر میسر شدی ده دوازده هزار بیت ترکی و فارسی خود را به این

غزل بدل می‌کردم و حصول این معامله را فوزی عظیم می‌شمردم.^{۱۰}

امیرعلیشیر آگاهانه آنچه امروزه شعر ترکی جغتایی کلاسیک خوانده می‌شود را آفرید.^{۱۱} نقشی که او در پروراندن سخن ترکی ایفا کرد، چنان چشم‌نواز است که برخی پژوهشگران او را همپایه سخن-سرایانی چون داتنه، در احیای زبان ایتالیایی و فردوسی در پیشرفت زبان فارسی، برشمرده‌اند.^{۱۲}

از مجموعه آنچه گفته شد درک می‌گردد که پژوهشگران امروزی چرا و به چه سبب امیرعلیشیر را پدر و بنیانگذار ادب ترکی خوانده‌اند. با این وجود، ذکر دو نکته دیگر نیز ضروری است. نخست آن که، برخی از این پژوهندگان امیرعلیشیر را با پدر شعر فارسی، رودکی، مقایسه کرده و از نظر ابداع شعر به یک زبان جدید آن دو را هم‌تراز دانسته‌اند، مع‌الوصف، امیرعلیشیر را به سبب گستردگی دامنه کارهایش و به کار بستن مضامین متنوع و قالب‌های شعری متفاوت، بر رودکی برتری داده و مقام او را همپایه شاعرانی چون حافظ، مولانا و فردوسی فرض نموده‌اند.^{۱۳} دوم آن که، گروهی از محققان ترک‌تبار ظهور امیرعلیشیر را نشانی از پیروزی زبان ترکی بر فارسی پنداشته و اعلام داشته‌اند که در پی حضور او عصر تسلط بی‌چون و چرای زبان فارسی پس از صدسال در آسیای میانه پایان پذیرفت و از آن پس این زبان ترکی بود که یگانه یک‌ه‌تاز میدان شد.^{۱۴}

نگارنده بر آن باور است، دعاوی این چنینی چندان منصفانه و عادلانه نیست. آنان که جایگاه رودکی را پایین‌تر از امیرعلیشیر دانسته‌اند، این نکته را مد نظر قرار نداده‌اند، که رودکی به تقریب از هیچ و بدون بهره‌برگرفتن از هیچ‌گونه ماده خامی، ادب منظوم فارسی را بنیان نهاده است، این در حالی است که امیرعلیشیر خود به کرات و از جمله در محاکمه‌اللغتين،^{۱۵} خمسه^{۱۶} و ... اقرار داشته از پشتوانه چندقرنه زبان فارسی و مضامین کهن آن به طور کامل سود جسته و تنها با به کار بستن اسلوب‌ها و سبک‌های شاعران نامی زبان فارسی یارای آن یافته است ادب ترکی را پایه‌گذاری کند. آنانی که دعوی داشته‌اند حضور امیرعلیشیر، زبان فارسی را از آن موقعیت ممتازی که در مناطق ترک‌نشین دارا بود، برانداخت نیز توجه نداشته‌اند که به رغم کم‌رونق گشتن بازار زبان فارسی، این دایره فرهنگ ایرانی بود که با برآمدن امیرعلیشیر در میان اقوام ترک‌زبان گسترشی بیش از پیش یافت، چرا که به تقریب ماده اولیه و خمیرمایه تمامی آثار امیرعلیشیر به اعتراف چندین باره خود وی چیزی بود که از آثار پارسی‌سرایان به عاریه گرفته بود. این نکته‌ای است که از توضیحات پیش‌گفته درباره هر یک از

آثار امیرعلیشیر نیز برمی‌آید، مع‌الوصف شرح مفصلی که در سطور آتی ارائه خواهد گشت، درستی این دعوی را بیشتر آشکار خواهد داشت.

امیرعلیشیر، دست‌پرورده و مبلغ فرهنگ ایرانی

امیرعلیشیر نوایی را می‌بایست پیش از آنکه بنیانگذار ادب ترکی برشمرد، دست‌پرورده، تربیت‌یافته و صدالبته مبلغ راستین فرهنگ ایرانی برشمرد. در درستی این مدعا همان بس که خود امیرعلیشیر بارها اعلام داشته با آثار مکتوب فارسی آشنایی تام داشته و بزرگان ادب ایران‌زمین را می‌شناخته و از آثار آن‌ها بهره بسیار بر گرفته است.^{۱۷} در پرورش فکر و پردازش اندیشه امیرعلیشیر، نقش تاثیرگذار شاعر و عارف نامی ایران‌زمین، نورالدین عبدالرحمن جامی، را نیز نباید فراموش کرد.^{۱۸} درحقیقت، امیرعلیشیر از همان روزگار کودکی، متأثر از سنت علمی روزگار به خواندن و آموختن آثار مکتوب فارسی پرداخت و این مهم سبب گشت اندیشه ایرانی ملکه ذهنش شود. اندیشه‌ای که با وجود گرایش افزونش به ترکی‌سرایی و ترکی‌نگاری در هیچ برهه‌ای از زمان از خاطرش زدوده نشد.

داشتن بن‌مایه تفکر و پیش‌زمینه ذهنی این چینی موجب شد، امیرعلیشیر، به مثابه یک مبلغ برجسته فرهنگ ایرانی جلوه کند. او از سویی آثاری به فارسی چون دیوان فانی^{۱۹} و رساله مفردات^{۲۰} آفرید و بدین ترتیب بر گنجینه پر بار ادب فارسی گنج‌هایی دگر افزود و از دیگر سوی عمده آثار ترکی خود را با الهام گرفتن از مضامین آثار فارسی پدید آورد. نفوذ بسیاری که آثار او در بین ترک‌زبانان یافت موجب شد تا فرهنگ ایرانی بیش از پیش در میان ترکان رواج یابد. درحقیقت، با یقین کامل می‌توان اذعان داشت، فرهنگ ایرانی که پیشتر به کمک زبان فارسی و تا حد زیادی با یاری جستن از زبان عربی توانسته بود خود را به جهانیان بشناساند، با حضور تاریخی امیرعلیشیر زبان سومی را که همان ترکی باشد به خدمت گرفت و موفق شد بر شتاب نشر خویش و آن هم در گستره‌ای وسیع‌تر از پیش بیفزاید.

نگاهی دوباره به آثار امیرعلیشیر از طرفی نشان می‌دهد که وی تا به چه اندازه از فرهنگ ایرانی در جهت مکتوب ساختن آثار خود یاری جسته است و از طرف دیگر نمایان می‌سازد که آبخور فرهنگ ترکی تا چه حد وابسته به سرچشمه‌های فرهنگی ایران بوده است. به عنوان نمونه، مثنوی لسان‌الطیر او ملهم از منطق‌الطیر عطار نیشابوری، است و این اثر او نه تنها قوم خود وی را به زبان مادری با اندیشه‌های عطار آشنا کرد، بلکه اسباب آشنایی دیگر اقوام ترک‌زبان را با تفکر و جهان‌بینی یکی از فرهنگمردان شاخص تاریخ ایران فراهم آورد.^{۲۱}

امیرعلیشیر مثنوی‌های پنج‌گانه خویش، خمسه، را نیز با الهام گرفتن از خمسه‌های دو فارسی - سرای نامی یعنی نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی سرود و از این روی در سراسر دفاتر خمسه خویش از آنان به نیکی یاد کرده است. ابیات زیر که امیرعلیشیر آن را در نخستین صفحات مثنوی فرهاد و شیرین، جای داده است، بهترین

آنینگ بو گنج‌دین تاپمای تابچای کیشی کام

نیچوک کیم گنج‌پاش گنج‌ه آرام

اگر چه گنج‌ه ده آرامی آنینگ

ولی گنج اوزره دائم گامی آنینگ...

توتوب گوهرلری یکسر جهانی

نیچوک کیم خیل اختر آسمانی

یوق اول گوهر که چون تورراقنه قالغای

ایاغ آستیغه چون قالغای اوشالغای...

کیشی مونداق بولا آلمای گهرریز

مگر اول هندوی زاد شکرریز^{۲۳}

ترجمه: هیچکس از این گنج سخن مانند آن که در گنج آریده کام نگرفته است، اگر چه آرامگاه وی در گنج است، لیکن او همیشه بر روی گنج‌ها قرار گرفته است... گوهرهای او سراسر جهان را گرفته است، همانگونه که خیل ستارگان، آسمان را فرا گرفته‌اند. گوهر او هرگز زیر خاک شدنی نیست، اگر به زیر پا هم افتد از توانش نمی‌کاهد... کسی مانند او گوهرپاشی نتوانسته است، مگر آن هندوزاده شکرریز.

کتاب‌های نسائم‌المحبه من شمائم‌الفتوه، محبوب‌القلوب، تاریخ ملوک عجم و ... را هم امیرعلیشیر با سود جستن از آثار فارسی‌زبانانی همچون جامی، سعدی، بیضاوی و ... نگاشت. درحقیقت، تاثیری که امیرعلیشیر از آثار مرتبط با فرهنگ ایرانی برگرفته، چنان افزون است که به

اعتراف خود وی در نگارش رساله وقفیه، که در وهله نخست متنی اسنادی و یا به تعبیر بهتر اداری بوده و نه ادبی و در آن درباره چند و چون اداره مجتمع آموزشی اخلاصیه سخن رفته است^{۲۳} نیز نتوانست از آثار پارسی‌نویسان یاری نجوید و آن را به صورت خلاصه و چکیده‌ای از وقف‌نامه‌های رسمی موجود به زبان فارسی نگاشت^{۲۴}

امیرعلیشیر در نگارش میزان‌الاوزان، که با فن عروض ترکی مرتبط است نیز خود را بی‌نیاز از آثار فارسی‌زبانان نیافته و بنا به اقرار خویش دست‌کم از آثار خواجه نصیرالدین طوسی و نورالدین عبدالرحمن جامی مدد گرفته است.^{۲۵} شاید در میان تمام آثار امیرعلیشیر بتوان، محاکمه‌اللغتين را که در آن امیرعلیشیر به مقایسه دو زبان ترکی و فارسی پرداخته و حکم به برتری زبان ترکی داده است، استثنایی خاص برشمرد، زیرا ایده‌اش نو و بدیع بوده و به تقلید و یا پیروی از بزرگان ادب فارسی نگاشته نشده است. با وجود این، نباید این نکته را فراموش کرد که این اثر خود نشان از آشنایی کامل امیرعلیشیر به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی دارد.

درواقع، امیرعلیشیر با فراگرفتن همه میراث ادبی زبان فارسی، تمامی قواعد و همچنین مفاهیم آن را در سرایش و نگارش ترکی به کار برد. پاره دوکورتی، مترجم با برنامه به زبان فرانسه، اذعان داشته، سبک شعر امیرعلیشیر و تشبّهات او اساساً همان سبک فارسی است و چنین برمی‌آید که او به فارسی فکر می‌کرده و به ترکی می‌نوشته است.^{۲۶} لوسین بوات، نویسنده کتاب تاریخ مغول (تیموریان)، نیز مشابه چنین اعتقادی داشته و اذعان نموده که الهام، فرم و در پاره‌ای موارد خود عبارات امیرعلیشیر از زبان فارسی برگرفته شده‌اند. به باور او، امیرعلیشیر اگر چه یارای آن یافت تا ادبیات نوینی پدید آورد و چه بسا برخی از آثار او با بهترین آثار ادبی زبان فارسی توان هم‌اوردی دارد، اما نه خود او و نه پیروانش هیچ‌کدام نتوانستند خود را بالکل از ولایت و سروری ایرانیان برکنار دارند.^{۲۷}

حلقه گسترده دانشمندان و ادیبان ایرانی که به امید حمایت‌های امیرعلیشیر از اقصی نقاط فلات ایران به هرات کوچیده و گرد وی فراز آمده بودند و از جمله این فرهنگمردان، جدای از مراد و مقتدای نامی نوایی یعنی نورالدین عبدالرحمن جامی، می‌توان به بزرگانی چون دولتشاه سمرقندی مولف تذکره‌الشعراء، زین‌الدین واصفی نویسنده کتاب بدایع‌الوقایع، میرخواند نگارنده کتاب مشهور روضه‌الصفاء، خواندمیر مولف تاریخ حبیب‌السیر، کمال‌الدین بهزاد تصویرگر پرآوازه، سلطانعلی مشهدی خوشنویس

نام‌آور و ده‌ها نام دیگر اشاره داشت، خود گواهی دیگر بر آن است که او نه ناخواسته، بلکه عالمانه و آگاهانه تبلیغ اندیشه‌ای می‌نموده که ملکه ذهنش بوده است، یعنی اندیشه و تفکر ایرانی.^{۲۸}

این مهم که امیرعلیشیر پرورش یافته و مبلغ فرهنگ ایرانی بوده، تنها به واسطه آثار مکتوب و یا پشتیبانی‌هایش از اهل علم و ادب ایران مستفاد نمی‌شود، بلکه از عملکرد او در حوزه نشر فرهنگ که با ساخت زیربناهای آموزشی، مذهبی و طریقتی همراه بود و همچنین با توجه به اقدامات جامعه‌نگر او که بنیان نهادن سازه‌هایی چون پل، سد، حمام، کاروانسرا و ... را در بر می‌گرفت، نیز بر می‌آید. زیرا ساخت و ساز عام‌المنفعه روندی بود که سده‌های متمادی در میان بزرگان ایرانی رواج داشت و افرادی چون خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و ... از مدت‌ها پیشتر به عنوان بانیان این قبیل امور نامور گشته بودند. اذعان امیرعلیشیر به نگارش رساله وقفیه با توجه وقف‌نامه‌های فارسی، بی‌گمان می‌تواند تداعی‌کننده و بیانگر این مضمون باشد که او در ساخت و سازه‌های نیکوکارانه خود نیز مقلد و پیرو رویه مرضیه سیاست‌ورزان و نامداران فرهنگ ایران‌زمین در گذر تاریخ بوده است.

جان کلام در این باره را شاید بتوان در کلام پژوهشگر پرآوازه تاجیک، صدرالدین عینی، جستجو کرد:

نوایی دست‌پرورده فرهنگ بزرگ فارسی - تاجیکی است و در مکتب
فلسفه سیاسی و ادبی ایرانی تربیت یافته، در سیاستمداری و کشورداری، در
عقیده‌های اجتماعی و سیاسی و فلسفی و اخلاقی جستارهای معنوی
اندیشه‌پردازان جهان ایرانی‌تباران ادامه داده است.^{۲۹}

چنین برمی‌آید که امیرعلیشیر در آن هنگام که می‌سرود:

نگار ترک تاجیکم کند صد خانه ویرانه

بدان مژگان تاجیکانه و چشمان ترکانه^{۳۰}

خود به خوبی متوجه این نکته بوده که تا چه اندازه فرهنگ ایرانی بر ترک‌تباری چون او تاثیر نهاده است.

اثربخشی مکتب‌ساز امیرعلیشیر نوایی

امیرعلیشیر که به تعبیر مولف بابرنامه، «بی‌نظیر کسی بود و هیچکس به اندازه او شعر ترکی نگفته بود»،^{۳۱} با آفرینش‌های خود، ادیبان ترک‌تبار را شیفته ساخت و از آن پس روش او از سوی هر آن کس از ترکان که اندک مایه‌ای از ادب در چنته داشت، الگوبرداری شد. در اندک‌زمانی، آوازه کلام امیرعلیشیر به دیگر نقاط جهان هم رسید. بسیاری از شاگردان و دست‌پروردگان او که از مناطق مختلف به هرات آمده بودند، در پی درگذشت وی و فرارسیدن زمان زوال حکومت تیموری هرات را ترک کردند، رهسپار سرزمین‌های دیگر شدند و بدین سان شعر و روش ادبی او را در دیارهای گوناگون پراکندند. در زمانی کوتاه شعر امیرعلیشیر در نقاطی چون عثمانی و آذربایجان و حتی هندوستان هم گسترده شد و شاعرانی به‌سان، کاظم سالک، نشاط، فضولی، احمدپاشا بورسای، شیخ غالب، ندیم، خیالی و میرعلیشیر ثانی، به سبک و سیاق او به ترکی شعر سرودن را آغاز نمودند.^{۳۲} شاعران زبان‌های ترکمنی، اویغوری، تاتاری و دیگر لهجه‌های ترکی نیز پیروی از امیرعلیشیر پیشه داشته و شیوه او را به سنتی فراگیر در میان خود مبدل ساختند.^{۳۳}

شایان توجه است، امیرعلیشیر چنان تاثیری در عموم ترک‌تباران دوستدار ادب نهاد که شاعران ترک نه تنها تقلید از وی را ارج نهادند، بلکه حتی برخی تخلص او را نیز بر نام خویش اضافه داشتند. ترکی‌سرایانی چون خیالی نوایی، حسینی نوایی، حالی نوایی و شکری نوایی از این دست مقلدان امیرعلیشیر به شمار می‌آیند.^{۳۴}

علاقه به شعر و زبان امیرعلیشیر تا مدت‌ها ادامه یافت و حتی در قرن نوزدهم میلادی نیز بودند شاعران بسیاری که به مانند امیرعلیشیر، به ترکی جغتایی شعر می‌سرودند. نامق کمال، از سخنوران به‌نام عثمانی در سده نوزدهم میلادی، تقلید از امیرعلیشیر را چنان رو به تزاید دید که آن را تهدیدی برای ترکی استانبولی برشمرد و اعلام داشت رجعت به ترکی جغتایی خطری بزرگ است که پیش روی آن قرار دارد.^{۳۵}

با توجه به آنچه تا به اکنون بیان گشت، شگفت‌آور نخواهد بود اگر گفته شود بسیاری از ترکی‌سرایان معاصر و از جمله شاعری قرقیزتبار نیز با وجود گذشت سده‌های طولانی از روزگار امیرعلیشیر همچنان او را الهام‌بخش خویش می‌خوانند.

علیشیر پو منگو اولماس شعرى حیات

هر پیرسوزی دلبیمیز کار کار کانت

دعوت کبی یانگرب تورگن کوی لریدن

یورک مدد الهام آلور تاپار نجات

اولوغ شاعر نینگ تیلینگ فینگ تیلیم

قارداشمیسن فینگ تیلیم نینگ تیلینگ

کدیلی رگین هم نفس سن زمانامگار

آه شعریت چراغاندیزنینگ یرلینگ^{۳۶}

ترجمه: علیشیر این زندگی شعرى است و نمى میرد. هر کلامش در دل ما بال مى گشاید. از نغمه- های پرشور دعوت ماندت دل مدد و الهام مى گیرد و نجات مى یابد. شاعر بزرگ، زبان تو زبان من است، برادر منى زبان من زبان تو است. نغمه بخوان، هم نفس زمان من شو، ای دنیای شعر راه تو چراغان است.

در تایید اثربخشی مکتب ساز امیرعلیشیر نوایی همان بس که هنوز چندصباحی از ظهور وی سپری نگشته بود که ادیبان، آن هم نه فقط ترکی گویان بلکه همراه آنان اهل ادب فارسی زبان، ناگزیر از آن شدند برای درک و فهم دشواری های احتمالی اصطلاحات و واژگان آثار او فرهنگ لغت هایی بنگارند، مطالبی که در پی خواهد آمد اختصاص به معرفی این دسته از فرهنگ های لغات خواهد داشت.

فرهنگ های لغات ترکی و فارسی متکی بر آثار امیرعلیشیر نوایی

توجه ادیبان به آثار امیرعلیشیر و همچنین فزونی نسبی تعداد آثار وی سبب شد برای درک و فهم دشواری های احتمالی اصطلاحات و واژگان آثار او فرهنگ لغت های متعددی نگاشته شود. اگر چه شاید به تفصیل سخن گفتن درباره این مبحث نتواند به طور مستقل به تبیین و بسط محور مقاله بیانجامد، اما ناگفته پیداست که این مهم خود می تواند بیان کننده بخشی دیگر از اثربخشی های مکتب ساز امیرعلیشیر نوایی باشد. گفتنی است برخی از این فرهنگ نامه ها را فارسی زبانان و بعضی دیگر آنها را ترک زبانان مدون نموده اند و از آن جمله می توان به بدایع اللغت که توسط طالع ایمانی

هروی در سال ۱۰۸۴ هـ.ق (۱۰۵۲-۱۰۵۳ هـ.خ/۱۶۷۳-۱۶۷۴ م) نگاشته شده است، اشاره داشت. این کتاب، فرهنگ لغتی جغتایی - فارسی، است و برابر با گفته خود نویسنده از آن جهت تدوین گشته تا واژگان مورد کاربرد امیرعلیشیر «در طلسم چاه سخن لغت فرقه جغتائیه و طایفه مغولیه مختفی»^{۳۷} نمانده و معنا و مفهوم آنها برای اهل ادب و فضل بهتر و آسانتر درک گردد. فرهنگی منفرد مدعی است، این کتاب در همان روزگار حیات امیرعلیشیر و به دستور سلطان حسین بایقرا نگارش یافته و تنها بعدتر توسط طالع ایمانی بازنویسی شده است^{۳۸}، اما او هیچگونه مدرک و سندی در اثبات درستی دعوی خویش رو نکرده است، مطالعه متن کتاب نیز به هیچوجه چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.

اللغات النواویه و استشهدات الجغتائیه (ابوشکا - ابوشقه) که نویسنده‌اش گمنام است، اثری دیگر از این دست آثار است که با توجه به آثار امیرعلیشیر و تنی چند دیگر از فرهنگمردان جغتایی- زبان همچون ظهیرالدین محمد بابر، نگارش یافته و فرهنگی است که در آن واژگان جغتایی به ترکی استانبولی شرح داده شده‌اند. برخی آن را نوشته فردی به نام علاءالدین بن محبی الشریف پنداشته‌اند و شماری نیز با اشتباهی فاحش آن را از تالیفات خود امیرعلیشیر دانسته‌اند.^{۳۹} گفتنی است، آنان که اذعان نموده‌اند این کتاب از جمله آثار امیرعلیشیر است گویا این نکته را در نظر نداشته‌اند که در این کتاب از آثار ظهیرالدین محمد بابر نیز سود جسته شده است. آنچه روشن است، بابر در هنگامی دست به قلم برد و به نگارش آثار دست یازید که امیرعلیشیر دیگر حیات نداشت. بابر در حفاصل سال‌های (۸۸۸-۹۳۷ هـ.ق) می‌زیسته و امیرعلیشیر در سال ۹۰۶ هـ.ق در گذشته است. بنابراین امیرعلیشیر نمی‌توانسته کتابی بنگارد که در آن از نوشته‌های بابر اثری موجود باشد.^{۴۰}

لغت‌نامه فضل‌الله خانی که فرهنگی لغتی ترکی به فارسی است در اوایل سده هفدهم میلادی در هندوستان توسط فردی به نام فضل‌الله خان نگارش یافته است را نیز در این زمینه می‌توان گواه آورد.^{۴۱} از دیگر اینگونه فرهنگ لغت‌ها می‌توان به کتابی با عنوان زبان ترکی اشاره داشت، که به فرمان اورنگزیب، پادشاه تیموری هند در سده هفدهم میلادی و به زبان فارسی توسط یعقوب جنگی نگاشته شده است.^{۴۲} اما مشهورترین فرهنگ لغتی که با عنایت به آثار امیرعلیشیر نوایی مدون گردیده است، سنگلاخ نام دارد که میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی مخصوص نادرشاه افشار آن را به فارسی تنظیم نموده و در مقدمه آن با صراحت تمام اعلان داشته، برای رفع اشکالات و ایراداتی که در مطالعه آثار امیرعلیشیر نوایی با آن‌ها مواجه گشته، سنگلاخ را نگاشته است.^{۴۳}

التمغای ناصری، اثر شیخ محمد صالح اصفهانی،^{۴۴} مقالید ترکیه (لغات فتحعلی‌خان - لغت تراکیه) نوشته شده توسط فتحعلی بن کلبعلی قزوینی سپانلو^{۴۵} و خلاصه عباسی تالیف شده از سوی محمد بن عبدالصبور خویی^{۴۶} که همگی آن‌ها در روزگار قاجاری خلق شده‌اند، از دیگر فرهنگ‌لغت‌های مشهور مرتبط با آثار امیرعلیشیر نوایی است. به غیر این آثار می‌توان از فرهنگ لغت دیگری به نام لغات شیخ سلیمان افندی بخارایی نیز یاد کرد که فرهنگی ترکی جغتایی - ترکی استانبولی بوده و در سده نوزدهم میلادی نگارش یافته است.^{۴۷}

برآیند سخن

در مقدمه این نوشتار گفته شد هدف عمده آن است که درک گردد شخصیت علمی - ادبی امیرعلیشیر نوایی چگونه بوده و چه ویژگی‌هایی را دارا بوده است؟ نگارنده بر آن باور است که مطالب گفته شده در در جای جای این متن خود توانسته است اگر نه به طور کامل و جامع، دست کم به صورت نسبی هدف اصلی را برآورده سازد و از این روی چندان نیازی به بازپردازی و یا بازخوانی آن‌ها احساس نمی‌شود. با وجود این، به عنوان برآیند سخن و پایانی بر این جستار، می‌توان خلاصه‌وار اظهار داشت، شخصیت علمی - ادبی امیرعلیشیر ممتاز و خاص بوده و جایگاه او در تاریخ فرهنگ ایران از آن روی جلوه‌ای درخشان یافته که وی از سویی در ادب ترکی پیشرو و پیشتاز بوده و از دیگر سوی نقش به‌سزایی در معرفی و نشر فرهنگ ایرانی در میان اقوام ترک‌زبان ایفا نموده است. آنچه روشن است، گام‌هایی که او در سال‌های عمر خویش در این رهگذر برنهاد، به نزدیکی فرهنگی بیش از پیش ایرانیان و ترکان انجامید. ایرانیان و ترکانی که که از دیرباز و به‌ویژه از نخستین دهه‌های پس از ظهور اسلام مسیر حرکتشان به گونه‌ای شکل گرفته بود که پدیدار گشتن اشتراکات فرهنگی بسیار در میان آنان ناگزیر می‌نمود. شاید به جرات بتوان گفت در درازنای تاریخ دیرین ایران، هیچکس را یارای آن نیست تا به واسطه نقش خویش در تقریب فرهنگی ایرانیان و ترکان کوس برابری با امیرعلیشیر نوایی زند.

پی نوشت ها

^۱ برای آگاهی بیشتر درباره مناصب و مقامات حکومتی امیرعلیشیر نوایی بنگرید به: نعمتی لیمایی، امیر. (۱۳۹۳). بررسی زندگی سیاسی و واکاوی کارنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امیرعلیشیر نوایی. تهران: وزارت امور خارجه و مشهد: دانشگاه فردوسی، ص ۵۷-۳۷.

^۲ برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به: رادفر، ابوالقاسم. (زمستان ۱۳۷۷). «نوایی: نظام‌الملک ثانی و امیرکبیر خراسان»، فصلنامه ایران‌شناخت، س ۴، ش ۱۱، ص ۶۳-۴۲ و قاضی، عبدالرحیم. (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). «نظام‌الملک ثانی، امیرعلیشیر نوایی»، تاریخ‌پژوهی، ش ۳۶ و ۳۷، ص ۷۲-۵۹ و عبدالله، سید محمد. (بی‌تا). «نظام‌الملک ثانی یعنی میرعلیشیر فانی، وزیر سلطان حسین بیقرار، پادشاه هرات»، مقالات منتخبه اورنل کالج میگزین و ضمیمه مجله انجمن عربی و فارسی دانشگاه پنجاب ۱۹۷۰-۱۹۲۵، به اهتمام عبدالشکور احسن و محمد بشیر حسین، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۷۱-۱۲۰ و بیانی، شیرین. (۱۳۸۷). پنجره‌ای رو به تاریخ. تهران: اساطیر، ص ۳۱۲-۲۹۳.

^۳ نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۸۷). محاکمه‌اللغتين. مقدمه و تصحیح و تحشیه حسین محمدزاده صدیق. تهران: اختر، ص ۹۱.

^۴ رسول رهین، ع. (عقرب ۱۳۴۰). «امیرعلیشیر نوایی»، آریانا، ش ۲۶، ص ۳۹ و فرهنگی منفرد، مهدی. (۱۳۸۱). بیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۲۰۹.

^۵ یارشاطر، احسان. ۱۳۸۳، شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی. ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ص ۹۴ و

Gibb, E.J.W. (1902). A history of Ottoman poetry, Vol2, london, luzac, p10.

^۶ آبیگ، ای دنیز. «کاربرد اصلاحات فارسی در سه اثر نوایی»، ص ۲۱۱. گفتنی است این مقاله در همایشی که در سال ۱۹۹۷ درباره تاریخ ادبیات ترک در دانشگاه چاکوروا برگزار گردید ارائه شد و در مجموعه مقالات آن همایش و همچنین در سال ۲۰۰۳ در نشانی اینترنتی زیر منتشر شده است.

http://www.tdkdergi.gov.tr/TDA/2003_1/2003_1_01_Abik.pdf

^۷ طوغان، احمد زکی ویلیدی. (پاییز ۱۳۷۷)، «امیر علیشیر نوایی: بزرگترین شخصیت ادبی ترک». ترجمه مریم ناطق شریف، نامه پارسی، س ۳، ش ۳، ص ۳۹.

^۸ نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۶۳). تذکره مجالس النفاؤس. به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران: کتابخانه منوچهری.

^۹ سمرقندی، امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی. (۱۳۸۲). تذکره الشعرا. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر، ص ۴۹۵.

^{۱۰} خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۷۸). مکارم الاخلاق: شرح احوال امیر علی‌شیر نوایی. مقدمه و تصحیح و تعلیق محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب، ص ۷۰-۶۹.

^{۱۱} Dale, Stephen Fredric. Apr 1998, « **The Legacy Of The Timurids**», *Journal of the Royal Asiatic Society*, third series, vol8, No1, p43-44.

^{۱۲} شرعی جوزجانی، عبدالحکیم. (آبان ۱۳۷۳). «تاملی در گستره آثار و افکار امیر علیشیر نوایی»، شعر، س ۲. ش ۱۴، ص ۱۰.

^{۱۳} شگفته، صغری بانو. (۱۳۸۷). شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیر نوایی متخلص به فانی. تهران: الهدی، ص ۲۲۸-۲۲۹.

^{۱۴} Erkinov, Afdtandil . (2008). « **Persian – Chaghatay Bilingualism in the Intellectual Circles of Central Asia during 5-18th centuries (the case of political and theologies bayaz)**», *International Journal of Central Asian studies*, Vol12 , pp62.

پژوهشگر ترک، حسین ازکان یکی دیگر از باورمندان به این نظر است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: حسین ازکان، «معلم دنیای ترک»، ص ۴. گفتنی است این مقاله در سایت دانشگاه چاکوروا (ترکیه) منتشر شده است. برای دسترسی بنگرید به:

http://turkoloji.cu.edu.tr/ESKI%20TURK%20DILI/huseyin_ozcan_turk_dunyasininbilgesi_ali_sir_nevai.pdf .

^{۱۵} محاکمه اللغتین، ص ۸۹-۸۱.

^{۱۶} نوایی، امیرعلیشیر. (۱۹۰۱م). **خمسه امیرعلیشیر نوایی**. تاشکند: بی‌نا، ص ۸۲، ۹۰، ۱۶۱، ۲۸۰، ۵۰۸.

^{۱۷} این مهم را در بسیاری دیگر از آثار نوایی نیز می‌توان دید. به عنوان نمونه بنگرید به: نوایی، امیرعلیشیر (۱۹۸۷-۲۰۰۳). **مجموعه آثار علیشیر نوایی، ج ۱۲: لسان الطیر**. تاشکند: فن، بخش SLXXXIX. برای دسترسی بهتر و آسانتر بنگرید به:

http://navoi.natlib.uz/uz/lisonut_tayr_un_ikkinchi_tom/181_194/

^{۱۸} در این باره کتاب **خمسه‌المتحیرین** امیرعلیشیر که درباره جامی نگاشته شده و در آن به تقریب تنها به وجهی از زندگی جامی اشاره شده که با خود امیرعلیشیر در پیوند بوده است، بهترین گواه است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: نوایی، امیرعلیشیر. (خرداد ۱۳۸۱). **خمسه‌المتحیرین**. ترجمه محمد نجوانی، به کوشش مهدی فرهنگی منفرد، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ضمیمه شماره ۱۲ نامه فرهنگستان.

^{۱۹} نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۷۵). **دیوان امیرعلیشیر نوایی**. به اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.

^{۲۰} نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۹۴) **رساله مفردات (در فن معما)**. با مقدمه، تصحیح، توضیح و تحشیه امیر نعمتی لیمایی و مهدی قاسم‌نیا، تهران: مشکوه دانش.

^{۲۱} خدایار، ابراهیم. (تابستان ۱۳۹۰). «**عطار نیشابوری و میراث فکری وی در آسیای مرکزی: بررسی تاثیر میراث فکری عطار نیشابوری در ازبکستان با تکیه بر آثار امیرعلیشیر نوایی**»، *نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، س ۲ دوره جدید، ش ۴. ص ۶۱.

^{۲۲} **خمسه امیرعلیشیر نوایی**، ص ۱۶۱.

۳۳ برای آگاهی بیشتر درباره مجتمع اخلاصیه بنگرید به: سابتلی، اوا ماریا. (۱۳۹۵). امیرعلیشیر نوایی و روزگار او. ترجمه جواد عباسی، مشهد: طنین قلم، ص ۱۱۸-۸۷. و بررسی زندگی سیاسی و واکاوی کارنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امیرعلیشیر، ص ۲۷۶-۲۷۲ و

Subtelny, Maria Eva. (Jan-Mar1991). «A Timurid Educational and Chari Table Foundation: The IKHLASIYYA Complex Of Aishir Navai In 15th Century Heart and Tts Endowment », *Journal of the American oriental society*, Vol III, No1, p38-61.

۳۴ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مجموعه آثار امیرعلیشیر نوایی، ج ۱: ۴. محبوب القلوب، منشآت، وقفیه، بخش وقفیه.

http://navoi.natlib.uz/uz/mahbub_ul_qulub_munshaot_vaqfiya_un_turtinchi_tom/vaqfiya/

۲۵ نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۹۳). میزان الاوزان، ترجمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق. تهران: نكدرخت، ص ۶۱.

۲۶ شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی، ص ۹۵-۹۴.

۲۷ بوات، لوسین. (۱۳۸۲). تاریخ مغول (تیموریان). ترجمه محمود بهفروزی، تهران: آزادمهر، ص ۱۶۱-۱۶۰.

۲۸ بررسی زندگی سیاسی و واکاوی کارنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امیرعلیشیر نوایی، ص ۳۰۲-۲۸۶ و شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیر نوایی متخلص به فانی، ص ۳۵۸-۳۲۱.

۲۹ شکوری بخارایی، محمدجان. (بهار ۱۳۸۴). «ادبیات پژوهی صدرالدین عینی و خودشناسی ملی تاجیکان فرارود(۲)، نامه/نجمن، س ۵، ش ۱۷، ص ۶۴-۳۳.

۳۰ دیوان امیرعلیشیر نوایی، ص ۱۲۵.

۳۱ بابر پادشاه، ظهیرالدین محمد. (۱۳۰۸ هـ.ق). بابرنامه موسوم به توزک بابری و فتوحات بابری در وقایع حالات و واردات احوال ظهیرالدین محمدبابر پادشاه، ترجمه عبدالرحیم خان خانان، بمبئی: میرزامحمد شیرازی ملک‌الکتاب، ص ۱۰۸.

۳۲ پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، ص ۲۰۵ و آکاس، متین. (۲۰۰۲). «شخصیت تاریخی، ادبی نوایی و مسائل انسانی در شعرهای نوایی»، مجله موسسه مطالعات ترکی، ش ۱۹، ص ۱۲۹-۱۲۶ و کوپرولو، م. فواد. (بی تا). تاریخ ادبیات ترک. ج ۳. استانبول: أتاکن، ص ۲۱۲.

۳۳ عطار نیشابوری و میراث فکری وی در آسیای مرکزی: بررسی تاثیر میراث فکری عطار نیشابوری در ازبکستان با تکیه بر آثار امیرعلیشیر نوایی، ص ۵۲.

۳۴ دیوان امیرعلیشیر نوایی، ص ۳۷. برای آگاهی بیشتر در زمینه شاعران متخلص به نوایی بنگرید به مقدمه دلمراد باباجانف بر ترجمه انگلیسی لسان الطیر امیرعلیشیر نوایی:

Alisher Nava'i, **THE LANGUAGE OF THE BIRDS**, translated by Dilmorad Babajanov (Bloomington, Indiana: Author House, 2006), p5-6.

- ۳۵ دلبری پور، اصغر. (۱۳۹۰). **ترکان پارسی گوی**. دفتر اول، آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷.
- ۳۶ هیئت، محمدجواد. (۱۳۶۵). **سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی**. تهران: نشر نو، ص ۳۴۴.
- ۳۷ ایمانی، طالع. **بدایع اللغه**. نسخه دست نوشته کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۱۰-۱-۱۴، ص ۱.
- ۳۸ **پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان**، ص ۲۱۴.
- ۳۹ **سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی**، ص ۱۲۷.
- ۴۰ گفتنی است، نسخه های دست نوشته ای از این اثر در کتابخانه ملک موجود است بنگرید به: **فرهنگ دیوان نوایی (ابوشقه - اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتائیه)**، نسخه دست نوشته کتابخانه و موزه ملی ملک، ش ۳۴۷. و **فرهنگ دیوان نوایی (ابوشقه - اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتائیه)**، نسخه دست نوشته کتابخانه و موزه ملی ملک، ش ۳۴۹. و **فرهنگ دیوان نوایی (ابوشقه - اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتائیه)**، نسخه دست نوشته کتابخانه و موزه ملی ملک، ش ۴۱۲. افزون بر این، پاره دو کورتی این کتاب را به فرانسه ترجمه نموده و در سال ۱۸۷۰ میلادی همراه با متن اصلی کتاب منتشر نموده است. برای دسترسی به آن بنگرید به: **اللغات النوائیه و الاستشهادات الجغتائیه**، با ترجمه فرانسوی و تصحیح پاره دو کورتی (پاریس: امپریال، ۱۸۷۰م).
- ۴۱ کارگر، عبدالله. (۱۳۸۳). **امیردانشمند (نظام الدین علیشیر نوایی)**، پیشاور: الازهر، ۲۹.
- ۴۲ همان، ص ۲۹.
- ۴۳ استرآبادی، میرزا مهدی. (۱۳۷۴). **سنگلاخ: فرهنگ ترکی به فارسی از سده دوازدهم هجری**، به کوشش روشن خیای، تهران: نشر مرکز، ص ۵-۶.
- ۴۴ لوند، آگاه سری. (۱۹۶۵م). **علیشیر نوایی**. ج ۱. آنکارا، بی نا.
- ۴۵ قزوینی سپانلو، فتح علی بن کلب علی خان. **مقالید ترکیه**. نسخه دست نوشته موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، شماره ۳۹۶/۱، ص ۴-۶ و قاجار، فتحعلی بن کلبعلی بن مرشدقلی بن فتحعلی. **لغت اتراکیه**. نسخه دست نوشته کتابخانه ملی ایران، ش ۱۵۷۷۶۵۰ و ص ۹-۴.
- ۴۶ خویی، محمد بن عبدالصبور. **خلاصه عباسی**. نسخه دست نوشته کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ایران ۱۹۲۳۹۲-۱۰، ص ۱-۲.
- ۴۷ **امیردانشمند (نظام الدین علیشیر نوایی)**، ص ۲۹.